

یادداشت

حسام کاملی

مدیریت بازار در اقتصاد جنگی

انگ «مداخله» مانع دولت برای بهبود اقتصاد نباشد

وقوع جنگ معمولاً با شوک‌های ناگهانی در عرضه و تقاضا، افزایش نااطمنیاتی و شکل‌گیری رفتارهای هیجانی در بازار همراه است. در چنین شرایطی، وظیفه دولت فقط تأمین کالا نیست، بلکه مدیریت انتظارات، حفظ جریان تولید و جلوگیری از بی‌ثباتی بازار اهمیت حیاتی پیدا می‌کند. تجربه پر هزینه جنگ رمضان ثابت نایز کرد می‌نحوه مدیریت بازار و اطلاع‌رسانی می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در آرامش یا التهاب اقتصادی داشته باشد و مهم‌تر اینکه دولت نباید هراس داشته باشد که ورود جدی‌اش برای بهبود وضعیت اقتصادی با انگ‌زنی مداخله‌گری مواجه می‌شود.

بدیهی است وقوع جنگ در هر کشوری معمولاً با تشدید انتظارات تورمی، بروز شوک‌های عرضه و تقاضا و شکل‌گیری رفتارهای هیجانی در بازار همراه است. این رفتارها هم از سوی مصرف‌کنندگان و هم از سوی تولیدکنندگان بروز پیدا می‌کند. در چنین شرایطی سیاست‌گذار با یکی از دشوارترین دوره‌های مدیریت اقتصادی مواجه می‌شود، زیرا کنترل انتظارات ناشی از جنگ حتی در اقتصادهای باثبات نیز کار ساده‌ای نیست. این مسئله زمانی پیچیده‌تر می‌شود که کشوری پیش از جنگ نیز با مشکلات ساختاری مانند تورم‌های بالا و مزمن مواجه بوده باشد. در چنین فضای، پس از آغاز جنگ رمضان (که هنوز نیز چشم‌انداز پایان آن به‌طور کامل مشخص نیست) وظیفه دولت در مدیریت بازار به مراتب حساس‌تر و دشوارتر شده است و باید ورود جدی داشته باشد. یکی از مهم‌ترین ابزارهای دولت برای جلوگیری از تشدید انتظارات و شکل‌گیری رفتارهای هیجانی در بازار، اطلاع‌رسانی شفاف و به‌موقع است، چه آنکه مردم نسبت به وضعیت تأمین کالاها مطمئن داشته باشند، احتمال بروز رفتارهای احتیاطی و خریدهای هیجانی کاهش پیدا می‌کند. تاکنون نشانه‌ای از اختلال جدی در تأمین کالا‌های اساسی در بازار مشاهده نشده و عملکرد دولت در این حوزه قابل قبول بوده است. بااین‌حال این احتمال وجود دارد که بخشی از این ثبات ناشی از استفاده از ذخایر پیش از جنگ باشد. از این‌رو در صورت تداوم شرایط جنگی و تشدید محاصره اقتصادی از سوی رژیم امریکا، مسئله تأمین پایدار کالا‌های اساسی اهمیت بیشتری پیدا خواهد کرد. وضعیت قابل توجهی از تجارت خارجی از مسیرهای در یابیی انجام می‌شد و مدیریت هوشمند تنگه راهبردی هر مرز و محدودیت‌های ایجاد شده می‌تواند روند واردات برخی کالاها را با دشواری‌هایی همراه کند. هرچند در چنین شرایطی هزینه‌و زمان تأمین کالا از مسیرهای جایگزین افزایش خواهد یافت، اما با برنامه‌ریزی مناسب و تقویت روابط اقتصادی با کشورهای همسایه می‌توان بخشی از این فشار را مدیریت کرد. همین چند روز قبل وزیر اقتصاد به اهمیت اطلاع‌رسانی صحیح تأکید داشت، چراکه می‌تواند به شکل قابل توجهی از بروز رفتارهای هیجانی جلوگیری کند. نمونه‌ای از این موضوع در روزهای ابتدایی جنگ رمضان در بازار بنزین مشاهده شد، اما با مدیریت عرضه و نشان دادن وفور سوخت در جایگاه‌ها، مردم به سرعت متوجه شدند که کمبودی در این حوزه وجود ندارد. در نتیجه بازار سوخت به شرایط عادی بازگشت. بازار کالا‌های اساسی نیز از همین منطبق تبعیت می‌کند، بنابراین دولت باید احتیاطان حاصل کند که عرضه این کالاها در فروشگاه‌ها به‌طور مستمر برقرار است. در کنار این موضوع، تقویت دقیق ذخایر استراتژیک نیز اهمیت زیادی دارد تا در صورت طولانی شدن بحران با کمبود مواجه نشود.

مسئله مهم دیگر در شرایط جنگ، مدیریت شایعات و اخبار غیرموقوت است. در دوره‌های بحرانی، انتشار یک خبر یا شایعه می‌تواند به سرعت به رفتارهای هیجانی در بازار دامن بزند. مقابله با این مسئله فقط از طریق محدودسازی اطلاعات امکان‌پذیر نیست، بلکه نیازمند مدیریت صحیح بازار و اطلاع‌رسانی دقیق از وضعیت عرضه و توزیع کالاهاست و متأسفانه تپه‌ عریض طولیل اطلاع‌رسانی دولت طبق ادوار قبل تاکنون موفق عمل نکرده‌اند و طبعاًوقتی مردم از طریق گزارش‌های رسمی و قابل اعتماد از وضعیت بازار مطلع باشند، زمینه‌ه‌ه‌ی گسترش شایعات نیز کاهش پیدا می‌کند.



راهپیمایی جوان

در چنین شرایطی دولت باید از ابزارهای مختلف نظارتی برای رصد بازار استفاده کند، اما در عین حال نباید تمامی بازارها و کالاها را با یک رویکرد واحد مدیریت کرد. هر بازار ویژگی‌ها و سازوکارهای خاصی خود را دارد و سیاست‌های نظارتی نیز باید متناسب با همان بازار طراحی شود. به عنوان مثال در مواردی که شکایت‌های مردمی از یک واحد صنعتی افزایش پیدا می‌کند، می‌توان پرونده مالیاتی آن واحد را با دقت بیشتری بررسی کرد تا در صورت احراز تخلف، مالیات واقعی از آن اخذ شود. چنین ابزارهایی می‌تواند بدون ایجاد فشارهای گسترده اداری، هزینه‌تخلف را افزایش دهد.

در حوزه کنترل احتکار و سفته‌بازی نیز سیاست‌هایی وجود دارد که می‌تواند به افزایش عرضه در بازار کمک کند. یکی از این سیاست‌ها می‌تواند تسهیل واردات برای دارندگان کارت بازرگانی باشد؛ به این معنا که هر فردی که امکان تأمین ارز برای واردات کالا‌های اساسی را دارد اجازه واردات داشته باشد. با افزایش تعداد تأمین‌کنندگان، احتمال تبانی و ایجاد احتصار در بازار کاهش پیدا می‌کند. از سوی دیگر چون در این روش ارز ترجیحی به واردکنندگان تخصیص داده نمی‌شود، احتکار کالا برای آنها پر هزینه خواهد بود و انگیزه بیشتری برای عرضه سریع کالا در بازار خواهد داشت.

در انتهای زنجیره نیز دولت می‌تواند بخشی از منابعی را که برای نظارت‌های پر هزینه صرف می‌کند، به تقویت سیاست کالابرگ اختصاص دهد. تجربه اجرای این سیاست نشان داده است که کالابرگ توانسته بخشی از فشار تقاضا را مدیریت کند. براساس آمار موجود، حدود ۱۸ درصد از خریدهای مردم از طریق کالابرگ انجام می‌شود و این ابزار توانسته بخشی از کاهش قدرت خرید ناشی از شرایط جنگی را جبران کند. به نظر می‌رسد در شرایط فعلی تقویت این سیاست نسبت به بسیاری از گزینه‌های دیگر سریع‌تر، کم‌هزینه‌تر و مؤثرتر باشد. در کنار مدیریت تقاضا، حفظ تداوم تولید نیز از اهمیت اساسی برخوردار است. دولت باید با تمام توان از تولیدکنندگان کالا‌های اساسی و مواد غذایی حمایت کند تا تولید داخلی بدون وقفه ادامه پیدا کند. این حمایت می‌تواند شامل تأمین ارز برای واردات مواد اولیه، تسهیل حمل‌ونقل و لجستیک، ارائه حمایت‌های مالی و کاهش موانع اداری باشد. هدف اصلی این اقدامات آن است که تولیدکنندگان بتوانند با کمترین دغدغه به فعالیت خود ادامه دهند و بازار با کمبود کالا مواجه نشود. در عین حال دولت باید به عنوان یک تنظیم‌گر، زنجیره‌گر، تأمین‌را نیز مدیریت کند تا رفتارهایی مانند احتکار، کم‌فروشی یا عرضه خارج از شبکه برای فعالان اقتصادی پر هزینه شود. با این حال همانطور که تأکید شد دولت نباید هراس داشته باشد که منتهم به مداخلات شود که کارایی کم‌ترین اقداماتی است که می‌تواند ثبات بازار را حفظ اصلی تضمین رفاه عمومی است. هرچند در ادبیات اقتصادی معمولاً توصیه می‌شود که دولت‌ها نقش تنظیم‌گر داشته باشند و از مداخلات مستقیم ب‌رهیز کنند، اما در شرایط جنگی ورود موقت و هدفمند دولت به مدیریت بازار تا حد زیادی اجتناب‌ناپذیر است. نکته مهم آن است که این مداخلات باید منجر به بازگشت اقتصاد به شرایط عادی باشد.

جمعوع، مدیریت بازار در شرایط جنگی نیازمند ترکیبی از سیاست‌های کوتاه‌مدت و تدابیر هوشمندانه است. کنترل انتظارات از طریق اطلاع‌رسانی شفاف، تضمین عرضه کالا‌های اساسی، مقابله با شایعات، استفاده هدفمند از ابزارهای نظارتی و حمایت از تداوم تولید داخلی از جمله مهم‌ترین اقداماتی است که می‌تواند ثبات بازار را حفظ کند. در عین حال دولت باید به حفظ کارایی سازوکار بازار نیز توجه کند و اگر تعادل به درستی رعایت شود، حتی در شرایط دشوار اقتصاد جنگی نیز می‌توان از شکل‌گیری بحران‌های گسترده در بازار جلوگیری کرد و ثبات نسبی اقتصادی را حفظ کرد.

گزارش یک نرگس گودرزی

از آن می‌گذرد، عطش بازارهای جهانی برای نفت را تشدید کرده و ذخایر نفت جهان را به کمترین رقم هشت سال گذشته رسانده است. در هفته‌های آغازین جنگ، محدود شدن عرضه نفت نوری از تنگه هرمز، اختلال لجستیکی موقت تلفی می‌شد که به‌راحتی قابل حل است، اما کارشناسان تأکید دارند که حتی در صورت باز ماندن تنگه هرمز، سیستم صادراتی خلیج فارس به‌طور بنیادین تغییر کرده است و سازوکار صادرات نفت دیگر از همچون سابق نخواهد بود. ■■■

سلطان احمد الجابر، مدیرعامل شرکت ملی نفت ابوظبی که کشورش در جریان تحمیل جنگ سوم به ایران اسلامی در کنار دشمن مشاهده شده است، می‌پندارد این حالا به زور سیلی مقاومت پی برده و اذعان داشته است که جریان‌های صادرات نفت از خلیج فارس تا حداقل اواسط سال ۲۰۲۷ با اختلالات شدید مواجه خواهند ماند. این هشدار در شرایطی مطرح شده که بازارهای نفت همچنان با خوش‌بینی بیش‌از حد و جدا از واقعیت‌های میدانی رفتار می‌کنند، اما این تصور تنها اعتماد به بازار را فرسایش می‌دهد، بلکه خطری جدی برای تمام بازیگران زنجیره انرژی محسوب می‌شود.

واقعیت این است که خلیج فارس دیگر یک سکوی صادراتی پایدار نیست، بلکه به یک منطقه فعال ریسک ژئولیتیک تبدیل شده است. پیامد این تحول برای بازارهای نفت خام و گاز طبیعی مایع (LNG) عظیم است. به‌خصوص آنکه ذخایر نفتی امریکا نیز که بزرگ‌ترین پشته‌توان رژیم امریکا برای سهامداری بازار نفت پس از اختلال در تنگه‌هرمز بود، بزرگ‌ترین کاهش هفتگی را نشان می‌دهد. براساس جدیدترین گزارش‌ها، ذخایر تجاری و ذخایر راهبردی امریکا هفته گذشته حدود ۱۸ میلیون بشکه کم شده است. با این حال هنوز هرمز بالای ۱۰۷ دلار در هر بشکه معامله می‌شود و این سؤال را ایجاد کرده که آیا اصلاً عرضه این ذخایر می‌تواند کاهش پایدار را جبران کند یا نه؟

رژیم استراتژی سهام اروپا در بانک بارکلیز، لیدیا رینغورث می‌گوید: «بازار جهانی با از دست دادن یک میلیارد بشکه تولید در وضعیت فوق‌العاده دشواری

گزارش ۲ زینب زهرین

ورود نخستین صندوق پروژه نیروگاه خورشیدی به بازار سرمایه را می‌توان مسرت‌نازهای برای تأمین مالی صنعت انرژی در کشور دانست که قرار است طی یک ماه آینده پذیرفونی‌شود. این صندوق آغاز شود تا مردم بتوانند با خرید واحدهای سرمایه‌گذاری، در ساخت نیروگاه خورشیدی مشارکت کنند. این اقدام در شرایطی انجام می‌شود که کمبود برق، افزایش مصرف انرژی و فشار بر شبکه تولید، ضرورت توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر را دوچندان کرده است و بازار سرمایه اکنون به ابزاری برای جذب سرمایه‌های خرد و هدایت آن به سمت تولید برق پاک تبدیل شده است. ■■■

صنعت برق کشورمان سال‌هاست با چالش ناترازی تولید و مصرف روبه‌روست و رشد مصرف برق در بخش خانگی، صنعتی و تجاری از یک سو و محدودیت سرمایه‌گذاری در احداث نیروگاه‌های جدید از سوی دیگر، فشار مضاعفی بر شبکه برق وارد کرده است. در چنین شرایطی توسعه نیروگاه‌های خورشیدی به یکی از مهم‌ترین راهکارهای جبران کمبود برق تبدیل شده است، اما اجرای این پروژه‌ها به منابع مالی گسترده نیاز دارد که تأمین آنها از کتون بازار سرمایه در تلاش‌های بخشی از این خلأ موجود است. برنامه‌ریزی برای راه‌اندازی نخستین صندوق پروژه نیروگاه خورشیدی، اقدامی در همین مسیر محسوب می‌شود که امکان مشارکت مستقیم

خبر

طی بازه زمانی ۹ اسفند سال گذشته تا ۳۰ اردیبهشت امسال، ۲۳ میلیون و ۳۰۰ هزار تن کالا در بنادر کشور تخلیه و بارگیری شده است، به طوری که در این مدت، ۵ میلیون و ۲۰۰ هزار تن کالای اساسی وارد بنادر شد و ۵ میلیون و ۱۰۰ هزار تن از همین کالاها از بنادر خارج شد. همزمان سهم بنادر شمالی از واردات کالا‌های اساسی از ۱۸ درصد در سال گذشته به ۲۲ درصد در دو ماه نخست امسال افزایش یافت. ■■■

بنادر کشورمان به روایت آمار در طول جنگ تحمیلی سوم، با وجود فشارهای ناشی از اختلالات منطقه‌ای و محدودیت‌های لجستیکی، همچنان نقش اصلی در تأمین کالا‌های اساسی و گردش تجارت خارجی را برعهده داشته‌اند. ثبت تخلیه و بارگیری ۲۳ میلیون و ۳۰۰ هزار تن کالا در کمتر از سه ماه، بیانگر تداوم فعالیت زنجیره تأمین و پایداری جریان ورود و خروج کالا در بنادر کشور است.

نفت بازارهای جهانی را به آتش می‌کشد

استمرار مدیریت تنگه هرمز، جریان حمل‌ونقل دریایی نفت و گاز طبیعی مایع را به ترتیب حدود ۱۵ و ۲۰ درصد کاهش داده است



هستند؛ حتی اگر تنگه هرمز فرداباز شود، عادی‌سازی اوضاع زمان زیادی می‌برد.»

پیش‌بینی تکان‌دهنده از بهای نفت در ۲۰۲۶
کمسیون اروپا نیز در تازه‌ترین گزارش خود که روز پنج‌شنبه ۳۱ اردیبهشت ۱۴۰۵ منتشر شد، پیش‌بینی خود از قیمت نفت را به‌طور چشمگیری افزایش داد و اعلام کرد که میانگین قیمت نفت برنت در سال ۲۰۲۶ تا ۹۱/۲ دلار در هر بشکه و در سال ۲۰۲۷ به ۷۸/۲ دلار خواهد رسید. این در حالی است که پیش از آغاز جنگ علیه ایران، تخمین‌های قبلی کمسیون اروپا میانگین قیمت نفت برنت را ۵۲/۴ دلار در سال ۲۰۲۶ و ۵۶/۳ دلار در سال ۲۰۲۷ پیش‌بینی کرده بود.

کمسیون اروپا در گزارش «چشم‌انداز اقتصادی بهار ۲۰۲۶» خود تأکید کرده است که شوک انرژی ناشی از جنگ در غرب اروپا نیز تحت تأثیر نفت خام وجود، براساس گزارش کمسیون اروپا، رشد اقتصادی منطقه یورو در سال ۲۰۲۶ به ۰/۹ درصد کاهش یافته است. نرخ

براساس این گزارش، پس از حملات رژیم امریکا و رژیم صهیونیستی به ایران در ۹ اسفند ۱۴۰۴، قیمت نفت خام تا ۲۹ آوریل (۹ اردیبهشت) حدود ۶۵ درصد افزایش یافته است. همچنین استمرار مدیریت تنگه هرمز، جریان حمل‌ونقل دریایی نفت و گاز طبیعی مایع را به ترتیب حدود ۱۵ و ۲۰ درصد کاهش داده است.

کمسیون اروپا همچنین پیش‌بینی کرده است که قیمت نفت و گاز در سطحی حدود ۲۰ درصد بالاتر از سطح قبل از جنگ باقی‌بماند. این گزارش هشدار داده است که در صورت ادامه اختلال در تنگه هرمز و تداوم جنگ، بدترین سناریو هنوز محقق نشده و ممکن است قیمت انرژی تا اواخر ۲۰۲۶ به اوج خود برسد و اقتصاد اروپا در سال ۲۰۲۷ نیز نتواند بهبود یابد.

افزایش شدید قیمت انرژی، پیش‌بینی‌های اقتصادی از جنگ در غرب اروپا را نیز تحت تأثیر نفت خام وجود، براساس گزارش کمسیون اروپا، رشد اقتصادی منطقه یورو در سال ۲۰۲۶ به ۰/۹ درصد کاهش یافته است. نرخ

خورشید روی تابلو سرمایه

فشار تأمین مالی را کاهش دهد و منابع جدیدی را به سمت پروژه‌های تولیدی هدایت کند.

نیروگاه‌های خورشیدی به دلیل هزینه‌سوخت نزدیک به صفر، آلودگی کمتر و سرعت بالاتر احداث، اهمیت بیشتری پیدا کرده‌اند. بااین‌حال، هزینه‌اولیه ساخت این نیروگاه‌ها همچنان بالا ارزیابی می‌شود و همین مسئله سرمایه‌گذاری در این بخش را دشوار کرده است. صندوق پروژه، راهکاری برای حل همین مشکل به شمار می‌رود؛ زیرا هزینه‌اجرای پروژه‌های تعداد زیادی از سرمایه‌گذاران تقسیم می‌شود. از سوی دیگر، مشارکت مردم در پروژه‌های انرژی می‌تواند فرهنگ سرمایه‌گذاری مولد را نیز تقویت کند. بخش مهمی از نقدینگی موجود در کشور برای سال‌های اخیر به بازارهای غیرمولد وارد شده و نوسانات اقتصادی را تشدید کرده است. هدایت بخشی از این سرمایه‌ها به سمت پروژه‌های تولیدی، علاوه بر ایجاد بازده اقتصادی، ظرفیت تولید برق کشور را نیز افزایش می‌دهد.

برآوردها نشان می‌دهد ایران از نظر میزان تابش خورشیدی، ظرفیت قابل توجهی برای توسعه نیروگاه‌های خورشیدی دارد، به طوری که بسیاری از مناطق کشورمان در بیش از ۳۰۰ روز سال از تابش مناسب خورشید برخوردارند و همین ویژگی، امکان تولید برق خورشیدی در مقیاس گسترده را فراهم کرده است. با وجود این ظرفیت طبیعی، سهم انرژی خورشیدی در سبد تولید برق کشور همچنان محدود است و فاصله محسوسی با استانداردهای جهانی دارد.

مردم در پروژه‌های زیرساختی را فراهم می‌کند و سرمایه‌های خرد را به سمت تولید هدایت می‌سازد. براساس برنامه‌ریزی انجام‌شده، مراحل ثبت صندوق جدید از سوی دیگر، فشار مضاعفی بر شبکه برق وارد کرده است. در چنین شرایطی توسعه نیروگاه‌های خورشیدی به یکی از مهم‌ترین راهکارهای جبران کمبود برق تبدیل شده است، اما اجرای این پروژه‌ها به منابع مالی گسترده نیاز دارد که تأمین آنها از کتون بازار سرمایه در تلاش‌های بخشی از این خلأ موجود است. برنامه‌ریزی برای راه‌اندازی نخستین صندوق پروژه نیروگاه خورشیدی، اقدامی در همین مسیر محسوب می‌شود که امکان مشارکت مستقیم



از مجموع عملیات انجام‌شده، ۵ میلیون و ۳۰۰ هزار تن به تخلیه کالا‌های اساسی اختصاص داشته است. همچنین ۵ میلیون و ۱۰۰ هزار تن کالای اساسی بارگیری و از بنادر خارج شده است



دولت‌ها برای کاهش شوک ناشی از افزایش قیمت نفت خام، مالیات‌ها را کاهش داده و یارانه‌های سوخت را لغو کرده‌اند. همزمان، ذخایر ارزی نیز به سرعت در حال کاهش است، زیرا قیمت واردات نفت و گاز بدون هیچ افزایش جبرانی در ارزش صادرات، رو به فرونی است. بزرگ‌ترین بازندگان در این میان ششمال بودند مصر، یزوی فیلیپین، وون کره جنوبی و بات تایلند هستند که نشان‌دهنده آسیب‌پذیری شدید اقتصادهای وابسته به واردات انرژی در برابر شوک‌های قیمتی است.

در هند، سومین واردکننده بزرگ نفت جهان، نارتندرامودی، نخست‌وزیر از مردم خواسته است تا مصرف سوخت خود محدود کنند و برای حفظ تراز پرداخت‌ها، عوارض واردات طلا و نقره را افزایش داده است. مودی در ۱۰ اظهار داشت: «وقت آن رسیده است که ما از بنزین، گازوئیل و گاز با احتیاط زیادی استفاده کنیم. ما باید تلاش کنیم تا فقط به اندازه‌ای که برای صرفه‌جویی در ارز خارجی لازم است، استفاده کنیم.»

در ترکیه که بیش از ۷۰ درصد از مصرف انرژی خود را به واردات وابسته است، ذخایر ارزی در ماه مارس بزرگ‌ترین کاهش ماهانه خود را تجربه کرد. همزمان، بحران مالی آسیا در سال ۱۹۹۸ به آن رسیده بود، تضعیف شده است که مطابق با پیش‌بینی‌های قبلی مبنی بر آسیب‌پذیری عمیق این کشور در برابر امواج شوک ناشی از جنگ ایران است.

فیلیپ ولگر، اقتصاددان، خاطر نشان کرد که ارتباط بین انرژی و ارزها در این بحران متفاوت از گذشته است. در دهه ۱۹۷۰، زمانی که ایالات متحده واردکننده اصلی نفت بود، شوک‌های نفتی ۱۹۷۳ و ۱۹۷۹ هزینه‌های واردات را افزایش داده و باعث تضعیف دلار شد.

نوسانات ارزی در سایه بحران انرژی

واردکنندگان بزرگ نفت، از زمان بسته شدن تنگه هرمز، نه تنها ذخایر نفت خام خود را کاهش داده‌اند، بلکه با فرسایش ذخایر مالی خود نیز روبه‌رو شده‌اند. دولت‌ها برای کاهش شوک ناشی از افزایش قیمت نفت

مسیر تازه بازار سرمایه

راه‌اندازی صندوق پروژه نیروگاه خورشیدی را می‌توان مسیر تازه‌ای برای بازار سرمایه نیز دانست، چه آنکه این بازار بیشتر با معاملات سهام و نوسانات شاخص شناخته می‌شود، اما اکنون تلاش می‌شود نقش آن در تأمین این نیروگاه‌ها همچنان بالا ارزیابی می‌شود و همین مسئله سرمایه‌گذاری در این بخش را دشوار کرده است. صندوق پروژه، راهکاری برای حل همین مشکل به شمار می‌رود؛ زیرا هزینه‌اجرای پروژه‌های تعداد زیادی از سرمایه‌گذاران تقسیم می‌شود. از سوی دیگر، مشارکت مردم در پروژه‌های انرژی می‌تواند فرهنگ سرمایه‌گذاری مولد را نیز تقویت کند. بخش مهمی از نقدینگی موجود در کشور برای سال‌های اخیر به بازارهای غیرمولد وارد شده و نوسانات اقتصادی را تشدید کرده است. هدایت بخشی از این سرمایه‌ها به سمت پروژه‌های تولیدی، علاوه بر ایجاد بازده اقتصادی، ظرفیت تولید برق کشور را نیز افزایش می‌دهد.

توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر ضرورتی برای پایلاری شبکه برق کشور به شمار می‌رود و افزایش مصرف برق، کاهش منابع سوخت فسیلی و رشد هزینه‌های تولید انرژی، سیاست‌گذاران را به سمت استفاده بیشتر از انرژی خورشیدی سوق داده است. در چنین فضایی، ورود بازار سرمایه به حوزه تأمین مالی نیروگاه‌های خورشیدی می‌تواند نقطه آغاز شکل‌گیری الگوی تازه‌ای از مشارکت اقتصادی باشد که در آن مردم، سرمایه‌های خرد خود را مستقیماً وارد پروژه‌های زیرساختی می‌کنند و در توسعه تولید برق پاک سهیم می‌شوند.

بارگیری ۲۳ میلیون و ۳۰۰ هزار تن کالا در بنادر طی جنگ

را کاهش دهد و زمان انتقال کالا به استان‌های شمالی و مرکزی را کوتاه‌تر کند. در عین حال، فعال‌تر شدن بنادر شمالی به توسعه تجارت در حوزه دریایی خزر نیز کمک خواهد کرد.

افزایش سهم بنادر شمالی نیازمند توسعه زیرساخت‌ها، افزایش ظرفیت اسکله‌ها و تقویت توان‌گان حمل‌ونقل دریایی در خزر است. در صورت تحقق این برنامه‌ها، امکان توزیع متوازن‌تر کالا میان بنادر کشور خواهد شد و وابستگی تجارت خارجی به چند بندر محدود کاهش می‌یابد.

همچنین تسهیل تردد میان استان‌های شمالی و همجوار، می‌تواند به افزایش مبادلات تجاری، رونق گردشگری و تقویت ارتباطات اقتصادی منطقه‌ای کمک کند. مجموعه این تصمیم‌ها در کنار افزایش سهم بنادر شمالی از واردات کالا، نشانه‌ای از تغییر تدریجی نگاه سیاست‌گذاران به ظرفیت‌های اقتصادی شمال کشور به شمار می‌رود.